

پیش‌خوان

حاشیه‌ای بر انتشار

«مشهد، از مقاومت تا پیروزی»

وصف انقلاب در شهر شهادت

■ **علی احمدی فراهانی**



۱- وجود بار بار گاه ملوکوتی امام‌علی بن موسی الرضاعی (ع) در این شهر، ریشه‌دار و باسابقه‌ای که همیشه در ستمشاهی در چند موضوع می‌توان جست‌وجو کرد:

۲- وجود حوزه علمیه شیعی در این شهر، حوزه علمیه کهن، ریشه‌دار و باسابقه‌ای که همیشه در رازنده نگاه داشته است و می‌دارد.

۳- وجود حوزه علمیه شیعی در این شهر، حوزه علمیه مهم‌ترین و معتبرترین حوزه‌های علمیه شیعی بوده است.

۴- سابقه مردم این شهر در استکبارستیزی و دفاع از حریم اسلام و قرآن، مانند قیام تاریخی مردم این شهر علیه قانون کشف حجاب و به خاک و خون کشیده شدن مردم در مسجد گوهر شاد.

۴- حضور مرجعیت و علمای بزرگ جهان تشیع در این شهر، حضراتی نظیر آیات سید محمدهادی میلانی، سید حسن قمی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، سید عبدالله شیرازی و علمای بزرگ دیگر.

۵- حضور روحانیون مبارز و نستوهی که نه فقط در مشهد، بلکه در اقصی نقاط کشور شناخته شده بودند و در مبارزات پانزده ساله مردم ایران با وجود شداید، گرفتاری‌ها و سختی‌های ناگوار به‌رغم زندانی شدن، شکنجه دیدن و تبعید رفتن حتی لخت‌های آرام نگرفتند و متوقف نشدند، روحانیون مبارزی که در رأسشان حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای با شیوه مبارزه منحصر به فرد خود قرار داشت و در کنار ایشان حضرات آیات حاج شیخ عباس واعظ طبسی و شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد بودند.



■ **مشهد، از است: شهید هاشمی نژاد، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله طبسی در یکی از راهپیمایی‌های انقلاب**

۶- فضای روشنفکری شهر مشهد که به خاطر حضور و فعالیت‌های استاد محمدتقی شریعتی، دکتر علی شریعتی و حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای خاستگاه روشنفکری کشور محسوب و موجب جذب اقشار تحصیلکرده، باسواد و دانشجو به انقلاب و مبارزات انقلابی می‌شد.

۷- بافت مذهبی شهر مشهد و تأثیر پذیری مردم عادی از فضای فرهنگی که حاج علی‌اصغر عابدزاده، شیخ احمد کافی و امثال ایشان با تأسیس مهدیه و انجمن پیروان قرآن قبل از دهه ۴۰ در مشهد به وجود آورده بودند.

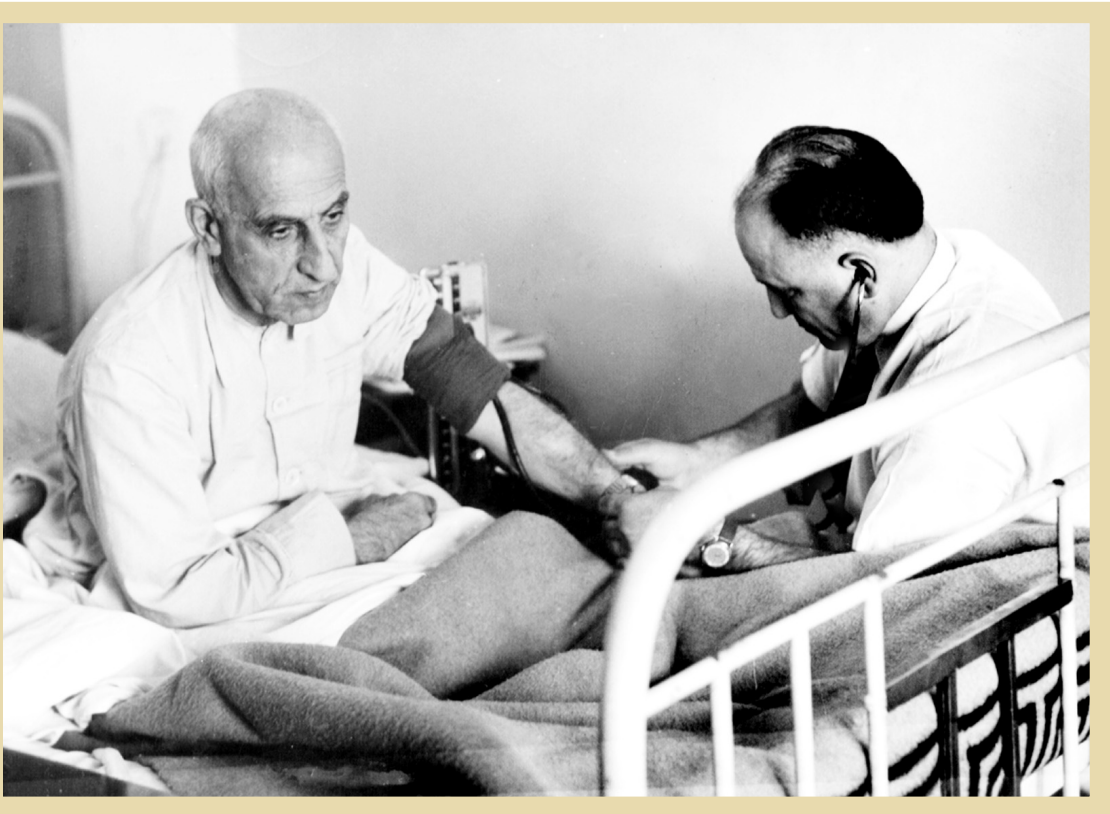
لذا مطالعه مبارزات علما و مردم مشهد در تاریخ انقلاب اسلامی می‌تواند چراغ راه آینده و پشتوانه محکمی برای انقلاب اسلامی مردم ایران باشد. اثری که از آن سخن می‌رود، مبارزات علما و مردم مشهد از تاریخ ۱۳۴۱ و ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی تا بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کند. این کتاب یکی از کتبی است که تاکنون در مرکز اسناد انقلاب اسلامی در باره تحولات معاصر انقلاب اسلامی در مشهد منتشر شده یا نودت انتشار است، در واقع حلقه‌ای از زنجیر تاریخ باشکوه مبارزات علما و مردم مشهد در نهضت انقلاب اسلامی ایران است.

فصل اول کتاب به شروع مبارزات مردم مشهد از اعتراض علما و مردم این شهر به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید تا تبعید حضرت امام خمینی به خارج از کشور می‌پردازد. مبارزات مردم مشهد در این مقطع ضرورتی سه‌ساله به ترتیب اتفاقات مهمی که در این شهر رخ داده روایت شده است.

فصل دوم به برهه زمانی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ می‌پردازد. در این فصل ضمن روایت اتفاقات مهم در مشهد به تحلیل شخصیت‌های اثرگذار مشهد نیز پرداخته شده و سعی بر این بوده است که تحلیل این شخصیت‌های مؤثر را دید مقام معظم رهبری بررسی کنیم، زیرا ایشان تنها کسی بوده‌اند که با تمام شخصیت‌های تأثیرگذار آن سال‌های مشهد ارتباط نزدیک و تنگاتنگی داشته‌اند و همه اتفاقات ریز و درشت جریان مبارزات را رصد می‌کردند. فصل سوم کتاب روایت جوش و خروش انقلابی علما و مردم عاشورایی شهر مشهد است که با حضور شکوهمند خود در صحنه با ایثار، از خودگذشتگی و فدا کردن جان خود همراه با سایر مردم مسلمان کشور کار نظام شاهنشاهی را یکسره کردند.

تاریخ

کمدوگر۸۸۴۹۸۴۳۸



گذری بر زمینه‌ها و پیامدهای زمامداری دکتر محمد مصدق در دوران نهضت ملی

دولتی که خود را ساقط کرد!

◆ **نیما احمدپور**

۶۴سال پیش در چنین روزهایی و در بی مبارزات گسترده افسشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران، دولت دکتر محمد مصدق استقرار یافت تاخواسته‌های استقلال طلبانه ملت از شعار به عمل در آید. دراینکه شخص مصدق ودولت وی تاچه حد توانستند به تحقق این آرمان کمک کنند، سخن بسیار گفته شده‌است. مقالی که پیش روی دار ید، تلاش کرده است تا گزارشش از کارکرد این دولت را به دست دهد. امید آنکه مقبول افتد.

شاید سخن آغازین درباره چندوچون نخست وزیری دکتر محمد مصدق این باشد که پس از قانونی شدن ملی شدن صنعت نفت، پیشنهاد نخست‌وزیری به وی داده شد و او نیز پذیرفت. مجلس با ۷۹ رأی موافق از ۱۰۰ رأی، به وی اظهار تمایل و شاه بلافاصله حکم نخست‌وزیری مصدق را صادر کرد. مصدق باحراز نخست‌وزیری، از آنجا که می‌دانست از و طمع انگلیس تعدیل و تعطیل بردار نیست، با علم به حقانیت ایران و به منظور در دست داشتن ابتکار عمل، در اولین فرصت اقدام به اعزام هیئت خلع ید از شرکت نفت جنوب به ریاست مهندس بازرگان کرد. خلع ید با موفقیت انجام شد و بعد از آن پرچم ایران بر فراز بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت جهان (آبادان) - در آن زمان - به اهتزاز در آمد.

مصدق در پی کسب حمایت امریکا در برابر انگلیس اقدامی نخست وزیر، ضمن برخورداری از حمایت‌های ملی، در صحنه بین‌المللی نیز تلاش می کرد تا تمایل امریکا را در حمایت از اقدام ایران علیه انگلیس جلب کند. موضوع رفتن وی به واشنگتن، پس از طرح شکایت انگلیس در شورای امنیت، در راستای مذاکره با سران امریکا و جلب رضایت هیئت‌های پدشهری و واقعیت‌های موجود و شناساندن حقانیت و مظلومیت ایران بود. مصدق که در مهر ماه سال ۱۳۳۰، در رأس هیئتی در در شورای امنیت حضور یافته بود، به دفاع از عملکرد دولت ایران، مطالبه شریک سابق نفت و مداخلات انگلیسی‌ها در تمام امور داخلی ایران پرداخت. در پایان دفاعیه مستقل و مفصل وی، شورای امنیت رأی داد که شکایت انگلیس تا زمان طرح دعوی و رسیدگی به شکایات و ادعاهای طرفین، در دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه مسکوت بماند و این یک موفقیت و پیروزی بزرگ برای ملت ایران محسوب می‌شد و حتی شاه علی‌رغم اینکه میانه چندان خوبی با مصدق نداشت، پیام تشکرآمیز و دلگرم‌کننده‌ای برای وی فرستاد. دکتر مصدق بعد از ورود به فرودگاه مهرآباد، توسط عده زیادی از مردم و رجال سیاسی استقبال شد. روز بعد گزارش مفصلی از سفر به امریکا، نتیجه مذاکراتش با امریکایی‌ها،

■ دکتر غلامحسین مصدق در حال معاینه پدشهرش دکتر محمد مصدق در دوران نخست‌وزیری

دیکتاتوری مانند کارگزاران سابق بدانند و عاملی در جهت تضعیف مصدق شد.

■ **دولتی روبه زوال!**

توطئه‌های فراوانی که با شکل‌تظاهرات علیه دولت در زمان ورود هاریمسن فرستاده ویژه امریکادر ماه‌های نخست تشکیل دولت یا غائله اسفند سال ۱۳۳۱ و ربهود شدن و قتل سرلشکر افسشارطوس -رئیس کل شهربانی دولت مصدق - در اردیبهشت ۱۳۳۲ همگی نشانه‌هایی بود که زنجیرهای توطئه را یکی پس از دیگری برای نابودی دولت مصدق از سوی استعمار و عوامل داخلی‌شان طراحی می‌کرد، اما متأسفانه در رأس تمام عوامل و فاکتورهایی که توان مقابله را از دولت مصدق می‌گرفت و به ناتوانی و فروپاشی آن کمک می‌کرد، اوج‌گیری اختلاف بین دو ستون اصلی نهضت قرار داشت، زیرا اختلاف بین دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی از اواخر سال ۱۳۳۱ شروع شده بود که به گفته حامد انگار مصدق تمایل به پذیرش دین خود نسبت به آیت‌الله کاشانی نشان نداد.

■ **هماهنگی انگلیس و امریکا در رقم زدن پایان نهضت ملی**

پس از شدت یافتن اختلافات درونی و مخصوصاً انحلال مجلس، انگلیس استعماری نیز موفق شد تا ایالات متحده را برای انجام کودتا با خود همراه سازد که با مشخص شدن برنامه‌های کودتا شاه طبق قرار قبلی به کلاردشت رفت و بعد از اطمینان و تحویل سرهنگ نصیری داد. سرهنگ نصیری نیز در شب ۲۵ مرداد فرمان عزل دکتر مصدق را بعد از عبور از مراکز بازرسی نخست‌وزیری ابلاغ کرد. با اطلاعاتی که قبلاً از طریق نظامیان ارشد طرفدار مصدق در باب تحرکات عوامل ضد

د

۶۴سال پیش در چنین روزهایی و در بی مبارزات گسترده افسشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران، دولت دکتر محمد مصدق استقرار یافت تاخواسته‌های استقلال طلبانه ملت از شعار به عمل در آید. دراینکه شخص مصدق ودولت وی تاچه حد توانستند به تحقق این آرمان کمک کنند، سخن بسیار گفته شده‌است

■ دکتر محمد مصدق در حال توضیح یکی از دستورات خود در دوران نخست‌وزیری

■ **مصدق پس از ۳۰ تیر**

قیام سسی تیر یکی از رویدادهای تاریخی در مبارزات ضد استعماری و استبدادی دوران معاصر ایران است که دستاوردهایی چون رأی اعتماد مجلسین به مصدق، انتخاب آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس، تصدی پست وزارت دفاع توسط مصدق، طرح آرزای خلیل طهماسبی و واگذاری حق قانون گذاری شش ماهه به دکتر مصدق را به همراه داشت. با این همه، عواملی چون تقاضای اختیارات یک‌ساله از جانب دکتر مصدق، طرح تعطیلی مجلس، انتصابات غیر منطقی، تولید و فروش مشروبات الکلی توسط دولت دکتر مصدق و… یقیناً نمی‌توانست با سکوت و ملاحظه‌کاری آیت‌الله کاشانی روبه‌رو شود، در نتیجه اختلافات بین دو رهبر علنی و آشکارشد. هر چند مصدق با کسب اختیارات ویژه و بست وزارت دفاع در شش ماه اول، توانست عده‌ای از عوامل بلندپایه رژیم شاه را در تنش از جمله آران‌ا، شاه‌بختی، زاهدی، حجازی و گرزن را بازنشسته و حتی خواهر شاه، اشرف و مادر شاه را به خارج تبعید کند، اما بازنشستگان بلافاصله از سوی شاه حمایت و هر کدام به کار گمارده می‌شدند، از جمله زاهدی به عنوان سناتور انتخاب شد و مصونیت پارلمانی پیدا کرد تا به‌راحتی جبهه دربار تقویت شود و کانون افسران که با اشاره شاه به ریاست زاهدی تشکیل شده بود، عملاً به کانون توطئه علیه دولت تبدیل شد. از سوی دیگر دولت مصدق نه تنها هیچ حمایت و کمکی از ناحیه شخص شاه نمی‌شد، بلکه با دربار و برخی از نیروهای انشعابی جبهه ملی از جمله مظفر بقایی وحسین مکی هم رودررو قرار گرفته بود. از بعد از اتمام دوره شش ماهه اختیارات ویژه، تقاضای تمدید آن را برای یک ساله دیگر کرد که با مخالفت شدید آیت‌الله کاشانی و دیگر فراکسیون‌های مخالف حمایت و کمکی از ناحیه شخص شاه نمی‌شد، اما این دولت روبه‌رو شد، اما این بار مصدق موفق شد، لایحه اختیارات ویژه را با اکثریت آرا به تصویب مجلس برساند و این خود دلیلی شد که مخالفین وی را

دولت به مصدق داده شده بود، بلافاصله مأموریت نصیری با دستگیری وی شکست خورد و تا صبح تعداد زیادی از عوامل کودتا شناسایی و دستگیر شدند. خیر شکست کودتا بعد از مدت کوتاهی به رادیو توسط مخالفین و پخش پیام سرلشکر کریمت روزولت داده شد. روزولت که قبلاً توسط انگلیسی‌ها از قدرت و نفوذ ه‌ای‌ها در ارتش مطلع بود، برلا شدن جریان کودتا از کانال اطلاعات ارتش را مرتبط با توده‌ای‌ها می‌دانست. شاه هم که در جریان شکست کودتا قرار گرفت، به سرسعت با یک فرزند هواپیمای مخصوص با خلیانی سرگرد خاتم به اتفاق همسرش ثریا به بغداد و از آنجا به رم رفت. سفرهای ایران در بغداد و رم به سفارش دکتر فاطمی، وزیر خارجه کابینه مصدق هیچ‌گونه استقبالی از شاه نکردند، لذا متعاقب شکست طرح کودتا مردم و گروه‌های منجتم حزب توده ضمن حمایت و جشن اقدام به سرنگونی مجسمه‌های شاه کردند و شعار «هرگ بر شاه» در سراسر ایران به گوش می‌رسید. پس از شکست اولیه کودتا هندرسون - سفیر امریکا که نقش اساسی را در هدایت کودتا داشت و این نقش پس از کودتا مشخص شد - بعد از ملاقات با مصدق و کسب نتایج مطلوب جمع‌بندی خود را از موضع‌گیری‌های رهبران نهضت که به‌شدت در مقابل هم بودند، چنین ارزیابی کرد که با اوضاع ایران و شکاف عمیقی که در روابط رهبران نهضت ایران وجود دارد، می‌توان با ساماندهی اوضاع این بار نه از طریق ارتش - که امکان لو رفتن مجدد قضیه به دلیل نفوذ توده‌ای‌ها در آن زیاد بود، بلکه از طریق بسیج عده‌ای از عوامل و ارادل و اوپاش اجبرشده تحت عنوان مردم کوچک و بسازار کار کابینه مصدق را با توجه به محدودیت‌های حزب توده و فراهم کردن سایر زمینه‌ها یکسره کرد.

■ **سقوط و دیگری هیچ!**

اوضاع همچنان به‌ ضرر نهضت ملت ایران پیش می‌رفت و حتی نامه آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق در واپسین روزهای عمر دولت او- که

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۴۵۲۰

همراه با گلایه و انتقاد از دولت و به‌نوعی افاشگری درباره کودتایی در شرف انجام از سوی استعمار و عوامل دربار بود- توانست فضای موجود را به نفع ملت تغییر دهد، زیر اموج بدبینی‌های واقعی و غیر واقعی و مسمومیت‌های فکری چنان وسیع و گسترده بود که دیگر امکان برقراری و اعاده اعتماد بین استوانه‌های اصلی مبارزه وجود نداشت. دکتر مصدق در پاسخ به نامه آیت‌الله کاشانی با ذکر جمله کوتاه «اینجانب مستظلهر به پشتیبانی ملت هستم» ظاهراً موضوع را خاتمه داد که مجموعه عناوین و موضوعات فوق همگی به ضرر نهضت ملی و به نفع کودتاچیان بود. در چنین اوضاعی مصدق به نیروهای تحت امر خود دستور داد از هر نوع تظاهرات و اغتشاشی جلوگیری کنند، البته این دستور بیشتر شامل نیروهای حزب توده می‌شد. گروه و طراحان کودتا بعد از این حوادث و انرژی مضاعفی که از نقشه و برنامه هندرسون در آخرین دیدار عصر ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ با مصدق گرفتند، توانستند نقشه‌های نهایی خود را با برنامه قبلی و اجیر دسته‌هایی از ارادل و اوپاش شهر و تلمیبع و تجهیز کامل آنان در صبح روز ۲۸ مرداد به اجرا بگذارند و نقطه شروع مسئولیت خود را از جنوب شهر قرار دادند. علی‌رغم دستور مقابله با اغتشاش که قبلاً به نیروهای تحت امر داده شده بود، آنها بدون هیچ‌گونه مقاومتی خود را به مرکز شهر رساندند و حزب توده که از چند روز قبل از فعالیت‌های خیابانی و تظاهرات منع شده بود، نمی‌توانست اقدامی برای مقابله انجام بدهد، زیرا در روز ۲۸ مرداد اعضای این حزب توجیه شده بودند که برای جلوگیری از تکرار مشکلات بعدی از منزل خارج نشوند! در نتیجه میدان برای طرفداران شاه خالی شده بود. از طرفی ناتوانی مصدق در کنترل بحران، سیاست تسامح، سپردن شهرتانی به عنصری سلطنت‌طلب مثل سرتیپ دفتری و برخورداری غیر مسئولانه مصدق با آیت‌الله کاشانی و نیروهای مذهبی، کنترل اوضاع را به سرعت از دست کابینه مصدق خارج کرد. البته خیانت عوامل نظامی و انتظامی به ظاهر مطیع و طرفدار دولت، در عمل به وخامت بیشتر اوضاع ضرر دولت تمام شد. این ضربه تعیین‌کننده‌ای برای کابینه مصدق بود که رئیس شهربانی دولت وی، یعنی سرتیپ دفتری، برادرزاده دکتر مصدق نیز به وی خیانت کرد! درواقع دفتری بیشتر رابط زاهدی با عوامل دربار بود تا نماینده مصدق! با این اوصاف و علی‌رغم اصرار ریاحی و کیانوری به مصدق مبنی بر اینکه در صورت عدم برخورد جدی با کودتاگران، آنها کار را یکسره خواهند کرد، مصدق با اقدامات قاطع و نظامی موافقت



نکرد و هیئت وزیران که در منزل مصدق بودند، با اشتغالی از طریق رادیو به اوضاع پایتخت گوش می‌دادند، بدون اینکه کار مفیدی انجام بدهند. بالاخره در ساعات بعد از ظهر با تصرف ایستگاه رادیو توسط مخالفین و پخش پیام سرلشکر زاهدی از رادیو، سقوط دولت مصدق قطعی شد و زاهدی نیز باشگاه افسران را مرکز عملیات خود قرار داد و کابینه مصدق که آخرین نقطه مقاومت بود، بعد از مدتی به تصرف در آمدو غارت و به آتش کشیده شد.

■ **پس از ۲۸ مرداد**

پس از اینکه منزل دکتر مصدق مورد اصابت گلوله تانک قرار گرفت، وی را به منزل یکی از دوستانش منتقل کردند. او روز بعد خود را تسلیم نیروهای انتظامی کرد و ابتدا در باشگاه افسران و سپس در لشکر ۲ زرهی زندانی شد. خبرگزاری‌های دنیا این کودتا را به عنوان پیروزی بزرگ و با تیتیر درشت و شوق فراوان منتشر کردند. چرچیل و ایزنهاور به همدیگر تبریک گفتند و خاندان سلطنت، عوامل دربار و دیگر سرسریزندگان از فرط شادانی سر از پای نمی‌شناختند. متعاقب این کودتا، مصدق در آسان ۱۳۳۲ در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال زندان انفرادی محکوم و بعد از آن به زادگاه خود، یعنی احمدآباد تبعید شد و تا پایان عمر زیر نظر نیروهای امنیتی قرار گرفت و سرانجام در ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ درگذشت.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۹۱
(۲) همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران ص ۲۲۷
(۳) جهت کسب اطلاع بیشتر، ر. ک به محمود تربتی، سنجایی پیشین، نهضت ملی در آئینه اسنادص ۱۴۷
(۴) ر. ک به: روح‌الله حسینیان، پیشین، صص ۲۳۷ - ۲۳۸

■ دکتر مصدق در حال اسیرتحت در محکمک نظامی سلطنت آباد